



انقلاب اسلامی، برداشتها و رویکردهای مختلف

یدالله محمدی

عضو هیات علمی دانشگاه امام حسین (ع)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پایان بنام سوم

چکیده

انقلاب اسلامی ایران به عنوان یکی از مهمترین تحولات سیاسی - اجتماعی قرن بیستم توجه بسیاری از اندیشمندان سیاسی، جامعه‌شناسان، مورخان و سیاستمداران جهان را به خود معطوف داشته است. آثار و پیامدهای فرامنطقه‌ای و جهانی و ماهیت ایدئولوژیک خاص آن از جمله مسائلی است که گروه‌های یادشده را به تأمل و تعمیق واداشته است. هرچند تعلقات خاطر و گرایشهای قلبی آنان نسبت به این پدیده تاریخی، گوناگون و حتی متضاد است، اما هم آنان در این نکته وحدت نظر دارند که انقلاب اسلامی ابعاد پیچیده و عظیمی دارد. مقاله ذیل، طیف رویکردها و نگرشهای فکری مختلف را پیرامون سه محور موافقان، مخالفان و طیف میانه (تحلیلگران) بررسی می‌کند.

انقلاب اسلامی ایران به تعبیر برخی سیاستمداران و جامعه‌شناسان، یکی از مهمترین تحولات سیاسی - اجتماعی قرن بیستم به شمار می‌آید. موقعیت مکانی و زمانی انقلاب اسلامی^۱ اصول اعتقادی و ماهیت ایدئولوژیک و مردمی آن از جمله نکات قابل تاملی است که اذهان سیاستمداران، جامعه‌شناسان و پژوهشگران را به خود مشغول داشته است. تأکید بر اتحاد جهانی اسلام، دفاع از ملت‌های مظلوم و مستضعف، نفی روابط سلطه‌آمیز در هر دو شکل سلطه‌پذیرانه و سلطه‌گرانه آن و ... به مثابه نفی نظم تحمیلی و سلطه‌گرانه حاکم بر منطقه و جهان است. همین امر ایران را به عنوان یک نیروی گریز از مرکز از سیستم جهانی بلکه بالاتر به عنوان رهبر و هدایتگر مبارزات ضد امپریالیستی - صهیونیستی در سطح منطقه و جهان قرار داده است.

به همان نسبت که این پدیده شگرف تاریخی برای مسلمانان و کشورهای جهان سوم منبع الهام، بیداری و تحرک بوده است برای قدرتهای سلطه‌گر، تهدید شوم و کابوسی وحشتناک می‌نماید؛ لذا تنها راه حل، استحاله این کانون بحران (در نظر آنها) است و این مقدر نیست مگر از طریق درک و شناخت ابعاد گوناگون انقلاب اسلامی. از این روی است که طیف وسیعی از مستشرقان در کنار دیگر پژوهشگران در صدد کالبدشکافی و شناخت دقیق انقلاب اسلامی برآمده‌اند. در این راستا مراکز تحقیقاتی ویژه‌ای برای شناخت انقلاب اسلامی دایر گردیده و صدها مقاله، کتاب، سخنرانی و سمینار و فیلم و ... در ارتباط با این پدیده تاریخی ارائه شده است.

اطلاق اصطلاحات "مردمی‌ترین تحولات تاریخ بشریت"، "منبع الهام و تحرک"، "معجزه قرن"، "پایان دوره غربگرایی"، "نامفهوم بودن این پدیده در قلمرو غرب"، "وجود ابعاد متضاد و معماگونه انقلاب"، "خمینیم بدون خمینی"، "زلزله‌ای در خاورمیانه"، "تنها انقلاب مذهبی قرن"، "هلال بحران"، "مهمترین حوادث تاریخ معاصر خاورمیانه"، برتری این انقلاب نسبت به انقلابات "فرانسه و شوروی" و ده‌ها عنوان دیگر به انقلاب اسلامی از سوی سیاستمداران، جامعه‌شناسان و متفکران مختلف جهان، حاکی از عمق و عظمت این انقلاب است. بدیهی است وقوع این تحول شگرف در دنیایی که بین واحدهای سیاسی آن وابستگی متقابل^۲ حاکم است، آثار و پیامدهای عمیق و

بنیادینی بر جای می‌گذارد. بیان ماهیت و ابعاد مختلف و شگفت‌انگیز این پدیده تاریخی و تجزیه و تحلیل آن از زبان و قول سیاستمداران، جامعه‌شناسان و اندیشمندان مختلف، بسیار شنیدنی و قابل تأمل است نکته حائز اهمیت اینکه دیدگاه‌های یادشده، قابل تقسیم‌بندی به سه طیف فکری ذیل است:

الف - طیف فکری مجذوبان انقلاب اسلامی

ب - طیف فکری مخالفان انقلاب اسلامی

ج - طیف فکری تحلیل‌گرایان و پژوهندگان

در ارتباط با دسته اول یادآوری می‌شود که بیشترین افراد این طیف را کسانی تشکیل می‌دهند که به علت سنخیت‌های فرهنگی، مذهبی و پذیرش باورهای اعتقادی و ارزشهای مسلط انقلاب اسلامی به قلمفرسایی و ایراد سخن پرداخته‌اند؛ هرچند در بین آنها افراد شیفته و مجذوب دیگر بدون تجانسات فرهنگی - مذهبی نیز مشاهده می‌گردد که در بزرگداشت و عظمت انقلاب اسلامی سخن گفته‌اند. دسته دوم (مخالفان) با باورداشت ابعاد توفنده انقلابی و بنیادین بودن این حرکت "وضع موجود" را، که "نظم مطلوب آنان" به حساب می‌آید از دست رفته احساس می‌کنند؛ به عبارت دیگر ناسازگاری انقلاب اسلامی با نظم موجود و سلطه‌گرانه آنها، آنان را به سمتگیری مخالفت و خصومت‌ورزی کشانیده است. بیشتر سیاستمداران و دولتمردان دولتهای متخاصم در میان این گروه، اعلام موضع کرده‌اند و در یک کلام، دیدگاهی خصمانه همراه با نگرانی دارند. دسته سوم را آن دسته از محققان و پژوهشگرانی دربر می‌گیرد که حتی المقدور بدون قضاوت ارزشی به بررسی ابعاد مختلف انقلاب اسلامی پرداخته و مترصد ارائه یک تحلیل و بررسی علمی و منطقی بوده‌اند. برای درک ماهیت و طبیعت انقلاب اسلامی از یک سو و آشنایی با نوع نگرش هریک از سه طیف فکری یادشده نسبت به این پدیده تاریخی به بررسی هریک از تقسیمات فوق‌الذکر می‌پردازیم:

الف - طیف فکری مجذوبان انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی با تأکید بر اصول و ارزشهای اسلامی، وحدت و عزت مسلمانان و

دفاع از مظلومان جهان و نفی سلطه سلطه‌گران در سیاست خارجی خود از جذابیت خاصی در جهان اسلام بویژه و جهان سوم، عموماً برخوردار گردیده است. شعارهای محوری چون، وحدت و عزت مسلمین، دفاع از مظلومان جهان و نفی سلطه سلطه‌گران، علت وجودی گرایشها و همبستگیهای این طیف شده است. نمود عینی این گرایشها در بین توده‌های جهان اسلام و جهان سوم، بیداری و حرکت آنان است؛ چیزی که غریبها از آن تحت عنوان بنیادگرایی^۳ یاد می‌کنند؛ اما نمود آن را در بین روشنفکران مسلمان و غیرمسلمان در قالب بزرگداشت این حرکت عظیم فرهنگی و تقدیس و اعلان وفاداری به آن می‌توان مشاهده کرد. در این راستا از بین ده‌ها نظر و اعلان همبستگی به چند مورد خاص بسنده می‌کنیم:

حسین موسوی رهبر امل اسلامی لبنان:

ما ارتباط نزدیکی با مسلمانان جهان داریم. ما به جهان اعلام می‌کنیم که جمهوری اسلامی، مادر ماست؛ دین ما، ملکه ما، خون ما، شریان حیات ماست. تلاش حزب الله بخش جدایی‌ناپذیر از استراتژی سراسری اسلامی در مقابله بزرگ و جامع با تجاوز صهیونیستها، جنگ‌طلبان و جهان نخوت و تکبر جهانی است. حزب الله پیشاز و نوک پیکان این مبارزه است که همزمان در جهات مختلف هدایت شده است.^۴

احمد بن بلا، اولین رئیس جمهور الجزایر، پس از استقلال این کشور در تعظیم و

بزرگداشت انقلاب اسلامی می‌گوید:

انقلاب ایران را به هیچیک از انقلابهای جهان نمی‌توان شبیه دانست. انقلابهای بسیاری طی سالهای اخیر در جهان رخ داده است، لیکن در اکثر آنها به تغییر رژیم بسنده شد، بدون آنکه اعماق فکری انسان را دگرگون سازد. انقلاب اسلامی ایران روحیه انسان را از بُن دگرگون کرد. انقلاب اسلامی ایران حیثیت اسلامی را به او بازگرداند ... ملل عرب باید زنده شدن اسلام را در قرن بیستم مدیون انقلاب اسلامی ایران باشند. این اسلامی که دنیای عرب را به اجبار دگرگون خواهد ساخت ... امروز آوای نهضت خمینی در دورافتاده‌ترین نقاط اسلام به گوش می‌رسد. در دورافتاده‌ترین قبایل صحاری افریقا سخن از روحی تازه است که انقلاب ایران در قرن بیستم به اسلام داده است.^۵

"میخائیل کیسی لِف" از شخصیت‌های سیاسی و عضو شورای مرکزی حزب روسیه از انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) به عنوان معجزه قرن یاد، و تصریح کرد که رهبری انقلاب (حضرت امام خمینی) که چراغ آزادی را به دست مسلمانان جهان داد، نه تنها قهرمان ملی و مرد بزرگ جهان اسلام بلکه برای مسیحیان نیز شخصیتی تابناک و قابل احترام است. وی در گفتگویی با خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران در مسکو تأکید کرد: "تجربه مبارزات امام خمینی می‌تواند الگوی شریخی برای ما باشد." وی افزود:

آمریکا برای انتقامجویی از انقلاب اسلامی ایران در حال جستجوی متحد در میان رهبران دنیا است تا به خیال خود ایران را مجازات کند ... آمریکاییها این آرزو را به گور خواهند برد؛ چون تاریخ نشان داد که از دست دولتها کاری ساخته نیست زیرا مردم کشورها طرفدار انقلاب ضدامپریالیستی ایران هستند. وی افزود: "من به این انقلاب عشق می‌ورزم و بهترین دروهای خود را تقدیم رهبر آن می‌کنم. اگر به ایران سفر کنم و از من پرسند چه آرزویی داری، در پاسخ، سراج گل‌فروشی را خواهم گرفت تا شاخه‌های گل را خریداری و نثار آرامگاه امام خمینی (ره) کنم."^۱

ریچارد کاتم در مقاله‌ای به جنبه مردمی بودن این انقلاب و پیامدهای آن در

جابه‌جایی توازن قدرت جهانی اشاره می‌کند و می‌نویسد:

انقلاب ایران یکی از مردمی‌ترین تحولات تاریخ بشری است. این انقلاب ظهور سیاستهای مردمی را به عنوان جنبه‌ای از خصایص ویژه ایران نشان داد و نشانه‌ای از یک تحول اساسی در جهان سوم بود. نتایج آن در جابه‌جایی توازن فطری جهانی قابل بررسی است (که تنها یک نمونه از آن تغییر روابط بین دولتهاست که انقلاب اسلامی معین می‌سازد).^۲

ب - صیف فکری مخالفان و دشمنان انقلاب اسلامی

مخالفت این طیف فکری با انقلاب اسلامی عمدتاً از زاویه ناسازگاری آن با وضع موجود و تهدید جدی منافع غرب خصوصاً آمریکا در سطح منطقه و جهان است. پیروزی این حرکت تاریخی برای آنها هم غافلگیرکننده و هم ضربه‌ای گیج‌کننده و شکننده می‌نماید. سلطه گسترده و همه‌جانبه آمریکا و صهیونیسم در سطح منطقه خاورمیانه و جهان اسلام از یک سو و ماهیت سلطه‌ستیزانه این انقلاب در کنار توان

قدرتمند و آشتی‌ناپذیر آن، بواقع تهدیدی شوم و بنیادین برای این دو قدرت سلطه‌گر تلقی می‌گردد. از این رو تلاشهای بسیاری برای درک عمق تهدیدات ناشی از انقلاب صورت می‌پذیرد و آنان با نوشتن مقالات، کتابهای مختلف، برگزاری سمینارها و کنفرانسهای متعدد به منظور شناخت این پدیدهٔ عجیب تاریخی حرکت کرده‌اند، دایرکردن مؤسسات مطالعات خاصی مانند مؤسسه مطالعاتی موشه‌دایان با شرکت استادان دانشگاه‌های آمریکا و اسرائیل در تل‌آویو و مؤسسات مشابه دیگر در اروپا و آمریکا در این راستا قابل تأمل است. مهار انقلاب اسلامی و استحاله آن از تلاشهای مستمر و پیگیر این گروه بوده است که پیوسته از زمان پیروزی انقلاب تاکنون در قالبها و گونه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، امنیتی، تبلیغاتی دنبال می‌شده است.

هنری کیسینجر استراتژیست و سیاستمدار معروف و کهنه کار آمریکایی، که پیروزی انقلاب اسلامی را فاجعه‌ای جبران‌ناپذیر برای منافع آمریکا می‌داند به ثمر رسیدن این انقلاب را نتیجه خیانت جناح دمکرات و روحیه تساهل این جناح نسبت به تحولات ایران خوانده است؛ به عبارت دیگر پیروزی انقلاب اسلامی را نتیجه طبیعی دکترین حقوق بشر کارتر دانسته و احساس خطر بسیاری کرده تاجایی که در دوران حاکمیت رقیب توانمند آمریکا یعنی شوروی، با وجود اینکه نظام دوقطبی بر جهان حاکم است، خطر انقلاب اسلامی را بیش از خطر شوروی دانسته است و از چهار نوع تهدیدی که برای خاورمیانه برمی‌شمارد، در سه نوع اول بر یک واقعیت تأکید دارد. وی در این مورد می‌گوید: «خاورمیانه با چهار خطر روبرو شد: اولی رادیکالیسم شیعه، دوم بنیادگرایی اسلامی، سوم انقلاب اسلامی ایران، چهارم شوروی».^۱

موشه دایان وزیر خارجه اسرائیل در دولت بگین در رابطه با خطر انقلاب اسلامی چنین اعلام داشت که: «زلزله‌ای در منطقه رخ داده است و من بگین را نصیحت کردم که مسأله‌ای مهمتر از کمپ‌دیوید اتفاق افتاده که باید به آن پردازم».^۲

اسحاق رابین نخست‌وزیر معدوم و سابق اسرائیل نیز نتوانسته ترس همراه با دشمنی خود را پنهان سازد و لذا آثار و پیامدهای انقلاب را در خاورمیانه اینگونه ترسیم کرده است: «من این جنبش را خمینیسیم بدون خمینی می‌نامم. این جنبش در بسیاری از کشورهای عربی و حتی کل جهان اسلام به صورت مؤثری عمل می‌کند. در پذیرش و قبول "خمینیسیم" میان یک تبعه

وفادار مصری، الجزایری، فلسطینی، اردنی یا لبنانی هیچگونه تضادی وجود ندارد، لذا خاورمیانه اکنون با موج خاصی از یک جنبش بنیادگرایی تندرو اسلامی مواجه است که قرن کنونی را به نحوی که خود می‌خواهد تفسیر می‌کند.^{۱۰}

ریچارد نیکسون یکی از رؤسای جمهوری آمریکا و نویسنده بنام آن کشور و صاحب دکترین، ضرورت تغییر استراتژی آمریکا از کمونیسم به سمت انقلاب اسلامی را در هنگام انتخابات ریاست جمهوری ریگان گوشزد می‌کند و یادآور می‌شود که: «خطر عمده، انقلاب اسلامی است. هرگز بمبی در دنیا با کوشش کمونیسم منفجر نخواهد شد، تنها بمبی که ممکن است منفجر شود انقلاب اسلامی است.»^{۱۱}

شیمون پرز، نخست‌وزیر قبلی رژیم صهیونیستی در تاریخ ۱۳۶۳/۹/۲۴ در حالی که از "جنگ ایران و عراق" صحبت به میان آورده، مواضع خود را در ارتباط با انقلاب اسلامی این‌گونه مطرح ساخته بود: «ما نسبت به این جنگ [جنگ تحمیلی عراق علیه ایران] غریبه هستیم، لیکن بزرگترین خطری که امروز منطقه را تهدید می‌کند شیعه است... این انقلاب شیعی تنها انقلاب مذهبی عصر ماست که نتایج آن بسیار وخیم خواهد بود، لذا امیدوارم به شکست بینجامد.»^{۱۲}

شاه حسین اردنی، که ریاکارانه بعضاً صحبت از دشمنی اسرائیل می‌کرد و امروزه در سازش و به رسمیت شناختن رژیم غاصب و تجاوزگر صهیونیستی از دیگر کشورهای عربی سبقت جسته است، در رابطه با تهدیدات انقلاب اسلامی چنین برداشتی دارد: «ما اکنون وخیمترین مرحله را، که من تاکنون در این منطقه از جهان دیده‌ام، طی می‌کنیم. خطر اسرائیل متخاصم با قیام اصالت‌گرایانه بطور اعم و شیعه‌های متعصب بطور اخص یکسان و یک اندازه می‌باشند.»^{۱۳} در جای دیگر می‌گوید که: «این جنبش از تهران رهبری می‌شود و همانند یک جذرو مدی است که نهایتاً از بین خواهد رفت، اما چه خسارتهایی که می‌تواند در منطقه به بار آورد، می‌تواند رژیمهایی را با خود فرورد و منطقه را به خشونت و ناآرامی، که در همه‌جا متداول است، بکشانند.»^{۱۴} برژنف، رئیس‌جمهور و دبیرکل حزب کمونیست روسیه شوروی در گزارشی به بیست و چهارمین کنگره حزب کمونیست، نگرش خود را از انقلاب اسلامی ایران این‌گونه ابراز داشته است: «اینک مرزهای جنوبی ما در معرض خطر مستقیم قرار دارد... در این اواخر، قوانین اسلامی در بعضی از کشورهای شرق با حرارت بسیار پا گرفته است... تجدید حیات

اسلام شاید مهمترین واقعه سیاسی قرن بیستم باشد. مناطق مسلمان‌نشین شوروی که تاکنون بسیار آرام بوده‌اند با ایران و افغانستان مرز مشترک دارند و ممکن است شور و هیجان مذهبی انقلاب ایران از مرزها بگذرد.^{۱۵}

طیف نگرشهای تحلیلی‌گرایانه

در این طیف فکری بیشتر پژوهشگران و محققانی قرار دارند که صرف نظر از گرایشها و تمایلات قلبی مخالف یا موافق انقلاب اسلامی، این تحول سیاسی - اجتماعی معاصر را بیشتر از بعد جامعه‌شناسانه و تئوریهای انقلاب مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند. اینها بعضاً با مطالعات گسترده و علمی، که نسبت به انقلابات و تحولات سیاسی جهان داشته‌اند به تجزیه و تحلیل ابعاد مختلف انقلاب اسلامی و کالبدشکافی آن پرداخته‌اند. از اینرو نظریاتشان جالبتر و پرجاذبه‌تر می‌نماید. نکته حائز اهمیت اینک بعضی از این پژوهشگران به رغم تمایلات قلبی خود، ضمن احساس تعجب و شگفتی از این پدیده تاریخی و مقایسه آن با انقلابات دیگر، آن را منحصر به فرد و برتر از آنان دانسته و از آن به عنوان یک استثنای تاریخی یاد کرده‌اند. تأکید بر عنصر مذهب و تواناییهای ایدئولوژیکی و نیروی اسلام، پدیده‌ای تازه و جلوه‌ای معماگونه و متناقض با معیارهای علمی و معیارهای انقلابات بزرگ است که کم و بیش توجه نظریه‌پردازان یادشده را به خود مشغول داشته است. در این راستا به جنبه‌هایی از دیدگاه‌های افراد این دسته می‌پردازیم:

"جان. ال. اسپوسیتو" و "جیمز پیسکاتوری" در بررسی عمیق و جامعه‌شناسانه‌ای که نسبت به انقلاب اسلامی و ابعاد منطقی‌ای و جهانی آن انجام داده‌اند، آثار و پیامدهای این پدیده تاریخی را در یک قالب کلی برای خاورمیانه و امنیت غرب این‌گونه بیان کرده‌اند: «دوستان و دشمنان همانند هم توافق دارند که انقلاب ۷۹ - ۱۹۷۸ ایرانیان تأثیری اساسی بر جهان اسلام و جهان غرب داشته است. برای بعضی این انقلاب یک منبع الهام و تحرک بوده، و برای بعضی دیگر، ایران انقلابی سمبل تهدید شومی برای ثبات خاورمیانه و امنیت غرب قرار گرفته

در این مقاله به یک نکته اساسی نیز اشاره گردیده و آن، عدم درک و شناخت صحیح غرب نسبت به انقلاب اسلامی است. نکته‌ای که باعث شکست تلاشهای غرب بویژه آمریکا در رویارویی با این انقلاب در صحنه‌های مختلف گردیده است و امروزه شاهد اعترافات مکرر مقامات سیاسی و بلندپایه آمریکایی نسبت به این رویارویی هستیم. "ماهیت انقلاب [اسلامی] به خاطر یک مسأله در سطح گسترده مخصوصاً در قلمرو غرب نامفهوم بوده است و آن اینکه هر چند رهبران انقلاب، شیعی مذهب هستند اما برای تمامی فعالین مسلمان اعم از شیعه و سنی، این انقلاب پرجاذبه و خوشایند بوده است ... انقلاب اسلامی توانایی خود را در حرکت هدفمند به سوی اهدافش نشان داده است."^{۱۷}

در جایی دیگر از این مقاله آمده است که: «بسیاری از مسلمانان به انقلاب اسلامی به عنوان پیروزی اسلام بر قدرتهای شیطانی و همچنین پیروزی جهان سوم بر نئومپریالیسم آمریکا نگریسته‌اند.»^{۱۸}

محمد امجد در کتاب خود تحت عنوان "ایران از دیکتاتوری سلطنتی تا حکومت مذهبی" این‌گونه می‌نویسد: «انقلاب ایران تقریباً هر کسی را به تعجب و شگفتی واداشته است. دانشمندان علوم اجتماعی در رابطه با این بسیج مردمی علیه حکومت سلطنتی به همان اندازه سازمان "سیا" و یا شگفت زده شده‌اند.»^{۱۹} "تدا اسکا ک پال" انقلاب اسلامی را این‌گونه توصیف کرده است:

مراحل اولیه انقلاب ایران، نظریات قلبی مرا نسبت به موجبات انقلاب اجتماعی زیر سؤال برده است ... اگر در واقع بتوان گفت که یک انقلاب در دنیا وجود داشته که بطور عمد و آگاهانه توسط یک نهضت اجتماعی توده‌ای ساخته شده تا نظام پیشین را سرنگون کند بطور قطع، آن انقلاب، انقلاب ایران علیه شاه است. تا آخر سال ۱۹۷۸ تمام بخشهای شهری ایران تحت لوای اسلام شیعی گرد آمده بود و از رهنمودهای یک روحانی عالی مقام شیعه آیت الله خمینی در جهت مخالف سازش‌ناپذیر علیه شاه و تمام افراد وابسته به او پیروی می‌کرد.^{۲۰}

مرحوم دکتر حمید عنایت، نویسنده و محقق معروف و صاحب نام ایرانی در مقاله‌ای تحت عنوان "مذهب به عنوان ایدئولوژی سیاسی" این‌گونه می‌نویسد: «انقلاب

ایران، پایان دوره غربگرایی در اهداف و زندگی فرهنگی، آموزشی و اجتماعی را نوید می‌داد... ایران پس از رژیم پهلوی علی‌رغم بی‌نظمی در زمینه‌های گوناگون مسائل حکومتی به طور استواری خود را در میان نیروهای غیرمتعهد ضدامپریالیستی و ضدصهیونیستی در دنیا یافت.^{۲۱}

وی در این مقاله علمی ضمن نفی نظریات جامعه‌شناسان غرب، مارکسیست و یا غیرمارکسیست در تبیین و تحلیل انقلاب اسلامی، انگشت بر برخی ویژگیهای انقلاب اسلامی گذاشته است که در آن وضعیت زمانی یک تبیین علمی و عقلی از سوی دانشمندان و سیاستمداران برای آن وجود نداشت؛ از جمله اشتباه استراتژیک و تاریخی کارتر در مورد "جزیره ثبات خواندن ایران در یک منطقه بی‌ثبات". دکتر عنایت در این مقاله ادامه می‌دهد که:

از تحلیلهای جامعه‌شناسان غرب، مارکسیست یا غیرمارکسیست برای توجیه پیشینه فروپاشی سریع نظام شاهنشاهی استفاده شد. بیشتر این نظریه‌ها همچون تیری در تاریکی بود. نه تئوری مبارزات طبقاتی، نه تجزیه و تحلیل رشد طبقات متوسط شهری یا کوچ‌نشینان فقیر و نه هیچگونه نشانی از اجباری که جامعه ایران به لحاظ قدرت نوگرایی کسب کرده باشد به این بحث بطور ریشه‌ای و متقاعدکننده، پاسخ نگفت. چگونه چنین تشکیلات عظیم و کارآموده‌ای در ظرف کمتر از یک سال سرنگون شد؟ دستگاهی که سالها در برخورد با مخالفان رژیم با اعمال روشهای گوناگون از جس گرفته تا خشونت‌سازي و انحصار اختیار امور توسعه یافت.^{۲۲}

فرد هالیدی در کتاب "تکوین دومین جنگ سرد" با بیان تازگی انقلاب ایران بر اساس جلوه‌های متناقض و معماگونه، چهره‌ای از این انقلاب را ترسیم کرده که به عنوان پدیده‌ای نو و باورنکردنی در تاریخ انقلابات جهان مطرح، و قابل تأمل و مطالعه برای دیگر نظریه‌پردازان و پژوهشگران است. شاید بتوان گفت نظریات وی از این جهت بی‌شباهت به نظریات مرحوم دکتر حمید عنایت - که در بالا ذکر شد - نیست. وی در این رابطه یادآور شده است که:

انقلاب ایران یک استثنا به شمار می‌رفت. انقلاب آن در فضای اجتماعی کاملاً متفاوت صورت گرفت. این فضا بر یک دگرگونی شتابان سرمایه‌داری و یک موقعیت و استقلال سیاسی خاص پایه داشت. تازگی انقلاب ایران به اساس معمایی و متناقض آن مربوط است. از یک طرف رهبری و ایدئولوژی انقلاب مدرن نبودند و حتی گاه

با برخی جنبه‌های مدرن چنان دشمنی آشکار داشتند که انقلاب مذهبی ایران را در تاریخ انقلابهای نوین یگانه می‌کند و از طرفی دیگر، فضای اجتماعی که انقلاب در آن اتفاق افتاد و شیوه پیروزی آن، چنان مدرن بود که با بسیاری از انقلابهای دیگر قابل سنجش است. از همه مهمتر آنکه این انقلاب منحصرأ در شهرها صورت گرفت؛ اولین نمونه از نوع خود در دنیای سوم [است]. ابزار مبارزه آن یعنی تظاهرات گسترده توده‌ای و اعتصابات عمومی سیاسی معمولاً خاص کشمکشهای درونی جوامع پیشرفته سرمایه‌داری هستند. کشوری که انقلاب در آن اتفاق افتاد با شهرنشینی بیش از ۵۰ درصد جمعیت و درآمد سرانه بیش از ۲۰۰۰ دلار از نظر اجتماعی - اقتصادی بمراتب از روسیه ۱۹۱۷ و چین ۱۹۴۹ "پیشرفته‌تر" بود. همین ترکیب "مدرن" و "غیرمدرن" است که انقلاب ایران را می‌سازد و همین ابعاد متضاد بودند که به انقلاب ایران، خصوصیت سیاسی متفاوتی از سایر انقلابهای موح سوم دادند.^{۲۳}

در دیدگاه نویسنده یادشده، چیزی که از آن به عنوان "غیرمدرن" یادشده، همان جنبه‌های سنتی، باورها و ارزشهای مسلط جامعه است که در اعتقادات مذهبی مردم مسلمان ریشه دارد؛ به عبارت دیگر شاید از جهاتی درست باشد که دیدگاه سنتی و مذهبی و به تعبیر فرد هالیدی "غیرمدرن" با جنبه‌های مدرن فرهنگی و باورها و ارزشهای مسلط غرب همسویی و سازگاری ندارد. چیزی که مرحوم دکتر حمید عنایت برای آن جایگاه ویژه‌ای قابل است و آن را به عنوان منبع تجهیز و چارچوب بنیادین انقلاب می‌دانسته است؛ چنانکه در مقاله ذکر شده خود می‌نویسد که:

مذهب شیعه موجب شد تا انقلاب [اسلامی] خصوصیتی را کسب کند که در میان انقلابهای هم عصرمان جایگاه ویژه‌ای پیدا کند. تاکید بر مذهب، افکار آن دسته از نویسندگانی را باطل کرد که انقلاب را روند تدریجی اجتماعی و اقتصادی می‌دانستند ... اسلام شیعه اولین منبع تجهیز و چهارچوب بنیادی انقلاب می‌باشد و آن را می‌توان یکی از چند شکل و صورتی دانست که انقلاب ایران را از فرم نرمال انقلابهای زمان ما خارج ساخته است و رهبری عالی این انقلاب به عهده آیت‌الله خمینی بود که قدرت و توانایی مناسب وی، ناشی از زور و اجبار و وحشت نبود و بر تمایل افراد و گروه‌ها متکی بود. "شیعه بودن انقلاب و نیز رهبری آیت‌الله خمینی" توانست حداکثر افراد نسبت به تعداد کمی از شعارهای عمومی همچون استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی [را] متفق‌الرای نماید.^{۲۴}

نویسنده معروف دیگری، که به گونه‌ای نیکو انقلاب ایران را از جهاتی خوب ترسیم کرده و علی‌رغم اشکالاتی که در کتابش تحت عنوان "انقلاب ایرانیان و مسلمانان جهان" وجود دارد به جنبه‌های مثبت انقلاب اسلامی و آثار و پیامدهای عظیم آن اشاره کرده، دیوید مناشری است. وی یک محقق و نویسنده یهودی ایرانی‌الصل است که در مرکز مطالعات خاورمیانه و آفریقا و مؤسسه موشه‌دایان تحقیق می‌کند و با نوشتن کتابها و مقالاتی در ارتباط با انقلاب اسلامی و مسائل خاورمیانه در شناساندن چهره این تحول سیاسی - اجتماعی عظیم قرن بیستم (انقلاب اسلامی) می‌کوشد. در اینجا به گوشه‌هایی از نوشته‌های کتابش نظر می‌اندازیم:

انقلاب اسلامی ایران - که یکی از مهمترین حوادث تاریخ معاصر خاورمیانه است - در آن طرف مرزهای کشورش و در منطقه مجاور خود شور و ولوله‌ای به راه انداخته است. این انقلاب، شور و اشتیاقی را در سرتاسر جهان اسلام برافروخته است و از طرف حکومت‌های منطقه همانند حکومت‌های خارجی به عنوان قدرت بزرگی محسوب می‌شود. در نزد رهبران انقلاب، انقلاب اسلامی فقط یک نام صرف نیست بلکه نگرشی است که بزوی به واقعیت می‌پیوندد. این انقلاب به هیچ وجه فقط برای مردم ایران یا صرفاً برای شیعیان یا حتی مسلمانان معنی دار نیست. هدف نهایی آن صدور مطلبی بود که رضانی از آن تحت عنوان "جهاد ایدئولوژیک" نام برد که هدفش رسانیدن پیام اسلام به همه انسانها در همه جاها بود.^{۲۵}

وی در جای دیگر از کتابش از بیان گوشه‌ای از عظمت و بالندگی انقلاب اسلامی

ناگزیر شده و نوشته است:

بطور کلی و بدون شک، انقلاب اسلامی ایران یکی از مهمترین حوادث معاصر جهان اسلام بوده است. مسلمانان هر جا علی‌رغم اختلافات زبانی، ملی، مذهبی، حزبی و سایر اختلافات دیگر به این انقلاب توجه داشته و بدان فکر می‌کنند. آنان به این انقلاب به عنوان سمبلی از توان ملت‌های مسلمان برای تغییر مسیر تاریخ به مسیر طبیعی خود و بازگرداندن مجد و عظمت گذشته مسلمانان نگاه کرده‌اند ... یقیناً این انقلاب در سربلندی و اعتماد به نفس مسلمانان اعم از شیعه و سنی، صرف نظر از ملیت و جهنگریهای سیاسی آنان سهمیم بوده است. از اندوختی تا اجتماعات مسلمانان در غرب، پیروزی انقلاب ایران به مثابه پیروزی اسلام و نشاندنده قدرت رهبری توده‌های ستمدیده در مبارزه با رژیمهای فاسد و استثمار خارجی تلقی می‌شود. به

علاوه خمینی به صورت سبلی درآمد که مسلمانان حتی در آینده می‌توانند به آن رجوع کنند. افزون بر آن عکسهای امام در قهوه‌خانه‌ها، مساجد و ساختمانهای عمومی سنی‌ها همانند مناطق شیعه‌نشین به نمایش گذاشته می‌شود... از این جهت شاید نباید انقلاب ایران با انقلابات آمریکا، فرانسه و شوروی مقایسه شود بلکه این انقلاب به پیروزی ژاپنی‌ها بر روسیه در اوایل قرن بیستم شباهت بیشتری دارد. هر دو جنبش [انقلاب ایران و پیروزی ژاپنی‌ها] این امید را، که مردم مشرق زمین می‌توانند بر تهدیدات قدرتهای غربی فائق آیند، زنده نگه می‌دارد. انقلاب ایران حتی از این جلوتر رفت. این انقلاب اشاره به نظام عقیدتی خاصی دارد که قادر است پیشرو مبارزه باشد (اسلام) و نیز به توانایی رهبری علما توجه دارد...»^{۲۶}

برژینسکی، نویسنده و سیاستمدار معروف آمریکایی، انقلاب اسلامی ایران را از بُعد بالندگی و فراگیری آن بررسی می‌کند و با طرح تئوری "هلال بحران" به بحران و بی‌ثباتی در منطقه وسیعی از جهان اشاره دارد که مرکزیت آن ایران است «به اعتقاد برژینسکی هلالی از بحران سراسر کشورهای سواحل اقیانوس هند را دربر گرفته است؛ بحرانی که از خاورمیانه و خلیج فارس آغاز می‌شود و خلیج و سواحل اقیانوس هند را می‌پیماید.»^{۲۷}

شائول نجاش یکی دیگر از نویسندگان یهودی و استاد دانشگاه جرج ماسون آمریکا نوشته‌های دیوید منچوری را تکمیل می‌کند و تواناییهایی را که منچوری از آن نام برده در قالب مصداق‌هایی از تحرک و پویایی انقلاب اسلامی بیان می‌کند: وی در این رابطه می‌نویسد که: "انقلاب ایران نشان داد که اسلام توانایی آن را دارد که میلیونها نفر را تجهیز، و حکومت مطلقه‌ای را سرنگون کند. آمریکا را تحقیر، و از مرزهای ملی دفاع نماید. جنگ خارجی [با عراق] را ادامه دهد و تحقق و عینیت بخشیدن به حکومت اسلامی را دنبال کند."^{۲۸}

ریمون آرون نویسنده معروف فرانسوی، که سخت‌نگران انقلاب ایران و آثار و پیامدهای آن برای منافع غرب و آمریکا است، بر این باور است که این انقلاب تعادل و ثبات سیاسی خاورمیانه را برهم زده به مثابه تیغ دو دم است که در آن واحد هم غرب و آمریکا و هم شوروی را تهدید می‌کند. وی در کتاب معروف خود تحت عنوان "سالهای پایانی قرن بیستم" انقلاب ایران را از جمله رویدادهای سرنوشت‌ساز این قرن دانسته و به طبیعت و ماهیت این انقلاب اشاره کرده است: "بعضی از کشورها - که از آن میان ایران اهمیت بسیار دارد - علیه تمدن غرب سر به شورش برداشتند و در عین حال علیه اتحاد آمریکا ایستادند بی آنکه

به طرف دیگر بیفتند.^{۲۹}

حامد الگار، نویسنده و محقق معروف، که به اسلام و انقلاب اسلامی ایران توجه خاصی دارد، ابعاد خارجی انقلاب ایران را پیرامون دو محور اصلی بررسی می‌کند: الف - برخورد با استعمار جهانی و در رأس آن، ایالات متحده آمریکا - تأثیری که این انقلاب در کشورهای اسلامی برجای گذاشته است. به نظر وی «انقلاب اسلامی بزرگترین شکستی است که استعمار غرب در قرن حاضر خورده و بمراتب بیشتر از زبانی است که در اثر شکست فاحش آمریکا در ویتنام به استعمار جهانی وارد آمده است.»^{۳۰} مارک، جی، گازپوروسکی، پژوهشگر و نویسنده معروف آمریکایی، آثار و پیامدهای ناگوار این انقلاب را متوجه منافع و امنیت ملی آمریکا می‌داند و می‌نویسد که:

«پیداست که انقلاب ایران پیامدهای زبانباری برای امنیت ملی آمریکا دارد. فوریت‌ترین پیامد آن حذف یک متحد مهم آمریکا بود که چون ضربه‌گیری بین شوروی و خلیج فارس خدمت می‌کرد و برای آمریکا پایگاه‌هایی برای ایستگاه‌های فوق‌العاده مهم استراق سمع الکترونیک متوجه شوروی را تأمین می‌کرد. پیامد فوری دیگر آن، افزایش عظیمی در قیمت‌های نفت بود که رکورد جهانی شدیدی را باعث شد. سرانجام سقوط رژیم شاه و بحران گروگان‌گیری و به دنبال آن، بطور جد حیثیت و نفوذ آمریکا را در خاورمیانه زیر سؤال برد و آمریکا را در دنبال کردن منافع خود در منطقه با دشواریهای بیشتری مواجه کرد.»^{۳۱}

نتیجه

بررسی جریان‌ات و طیف‌های فکری مختلف و بعضاً متعارض، نسبت به پدیده انقلاب اسلامی، موجب تصدیق این نکته است که همگی در یک نکته اشتراک نظر دارند و آن هم موقعیت و جایگاه ویژه این تحول سیاسی - بنیادین تاریخی در بین تحولات معاصر چند قرن اخیر است. بسیاری از متفکران و اندیشمندان یادشده (چنانکه دیدیم) ضمن ابراز شگفتی نسبت به خصوصیات، ابعاد و عمق این حرکت، آن را منشأ تحولات زیربنایی برای منطقه و جهان دانسته و به تعبیری منبع تحرک و الهام برای دوستان و سمبل شومی برای دشمنان در سطح خاورمیانه ذکر کرده‌اند. بیان گوشه‌ای از باورداشتهای و ذهنیات طیف‌های فکری متعارض، آن هم از زبان محققان، سیاستمداران و اندیشمندان

غیرایرانی هم جالب و شنیدنی می‌نماید و هم تأکیدی بر عمق و عظمت این حرکت عظیم در اواخر قرن بیستم است.

هرچند بسیاری از اندیشمندان و نظریه‌پردازان سیاسی از ابعاد و زوایای خاصی به بررسی و تفسیر انقلاب اسلامی ایران پرداخته‌اند، لیکن تأکید و تأیید دیوید مناشری بر برتری توان و بالندگی انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلابات معروف و سرنوشت‌ساز دنیا (انقلاب کبیر فرانسه ۱۷۸۹ و انقلاب اکتبر شوروی ۱۹۱۷)^{۳۲} کاشف از حساسیت و بنیادین بودن این حرکت عمیق مردمی است. اهمیت مطلب وقتی روشتر می‌شود که نسبت به عمق و آثار و پیامدهای عظیم سیاسی - اجتماعی این نقاط عطف تاریخی اروپا و آسیا (دو انقلاب فرانسه و شوروی) آشنایی وجود داشته باشد.

با استعانت از مطالب پیشین و گفته‌های بعضی از متفکران چون "اسپوستیو" و "پیسکاتوری" مبنی بر اینکه "دوستان و دشمنان همانند هم توافق دارند که انقلاب ایران (۷۹ - ۱۹۷۸) تأثیری اساسی بر جهان اسلام و غرب داشته است..." یادآور می‌شویم که روند فزاینده نگرانی همراه با دشمنی، که بر نگرش و دیدگاه طیف دوم فکری بویژه حاکم شده و ذهنیات آنان را ترسیم کرده و شکل داده، خود کاشف از عظمت و عمق این تحول سیاسی - اجتماعی در قرن بیستم است. هانتینگتون، نظریه‌پرداز سیاسی و یهودی‌الاصل آمریکایی، با طرح نظریه "رویارویی تمدنها" یا "تمدن اسلامی در پیوند با تمدن کنفوسیوسی در تقابل با تمدن غرب" با تأکید بر عنصر ایران اسلامی و نقش انقلابی آن در منطقه خاورمیانه و شرق آسیا در پی تهییج و بسیج غرب در این رویارویی است.^{۳۳} از این فراتر رفته، نقطه اوج نگرانی و ترس از برهم خوردن نظم موجود جهان در نتیجه پیروزی انقلاب اسلامی و روند فزاینده گرایش به اسلام در منطقه و جهان را در بیان آندره مالرو نویسنده معروف فرانسوی می‌بینیم که گفته است: «قرن بیستم، قرن مذهب است؛ مذهبی که از غرب انتقام خواهد کشید».^{۳۴}

نکته حائز اهمیت دیگر اینکه انقلاب اسلامی، استراتژی حرکت خود را تأکیدی بر بیداری توده‌های مستضعف و محروم در اقصی نقاط دنیا قرار داده است. این امر باعث شده است که نظم موجود و بنیانهای سیستم جهانی تحت تأثیر دیدگاه‌های فرهنگی و

ارزشهای انسانی انقلاب، کم و بیش دستخوش تحول گردد. شتاب این تحول به حدی است که بسیاری از استراتژیستها و سیاستمداران معروف دنیا - که بعضاً از آنان نام برده شد - هنوز در مرحله شناخت و تحلیل و تفسیر این پدیده تاریخی باشند.

تهدید منافع قدرتهای بزرگ در منطقه و جهان در نتیجه پیروزی انقلاب اسلامی، باعث گردید که از همان آغاز پیروزی، تمهیدات و روشهای گوناگون سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی برای مهار انقلاب به کار گرفته شود. امید به مهار، انحراف و یا استحاله این حرکت عظیم تاریخی هیچ کدام به واقع به نتیجه نرسید. علت عدم موفقیت دشمنان انقلاب اعم از داخلی و خارجی را باید در عدم شناخت دقیق و درک ماهیت الهی این انقلاب جستجو کرد؛ نکته‌ای که خود جای بحث بسیار دارد و موضوع مقاله جداگانه دیگری است.

یادداشتها

۱- اشاره به موقعیت مستحکم و با ثبات ایران، که کارتر در سال ۱۳۵۶ در مسافرت خود به ایران از این کشور به نام "جزیره ثبات و آرامش" در یک منطقه بحرانی یاد می‌کند.

2- interdependence theory

3- Fundamentalism

۴- کدیور، جمیله، رویارویی انقلاب اسلامی ایران و آمریکا، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۲، ص ۱۱۶ (به نقل از یک منبع خارجی)

۵- همان منبع، ص ۱۲۳

۶- روزنامه کیهان، دوشنبه ۷۳/۷/۱۳

7- R. K. Ramazani, Iran's Revolution, The Middle East Institute, 1990

۸- دکتر منوچهر محمدی، تحلیلی بر انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۵، ص ۱۴ (به نقل از نشریه مطبوعات جهان شماره ۳۰ از الوستور چاپ انگلیس مورخ ۵ ژوئیه ۱۹۸۲)

۹- همان منبع، ص ۱۴

۱۰- هفته‌نامه صبح، شماره ۳۹ مورخ ۷۴/۱۰/۱۹ ص ۸-۹

۱۱- دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نشریه رویداد و تحلیل، شماره ۵ ص ۲۱

۱۲- کتاب گذری بر پنجمین سال جنگ تحمیلی، روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات ستاد مرکزی سپاه، ۱۳۶۴، ص ۲۰۱

۱۳- دکتر منوچهر محمدی، تحلیلی بر انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۵، ص ۱۵ (به نقل از تایم، ۲۶ ژوئیه ۱۹۸۲)

- ۱۴- همان منبع
- ۱۵- همان منبع، ص ۱۶ - ۱۵
- 16 - John I. Esposito and James Piscatori, The Iranian Revolution ten years later; what has been its global impacts, Middle East Institute, Washington D.C, 1989, p:1
- 17 - Ibid, p:1
- 18 - Ibid, p:5
- 19 - Mohammad amjad, Iran from Royal Dictatorship to the theocracy, p:1
- 20 - Teda skocpol, Remtier stale and shi'a Islam in the IRAN Revolution, Theory and society vol II, No 3 (may 1982), P: 265
- ۲۱- دکتر حمید عنایت، مقاله انقلاب در ایران سال ۱۹۷۹، مذهب به عنوان ایدئولوژی سیاسی، مترجم مینا منتظرلطف، مجله فرهنگ و توسعه شماره ۳، بهمن و اسفند ۱۳۷۱، سال اول ص ۱۰ - ۴
- ۲۲- همان منبع، ص ۱۰ - ۴
- ۲۳- فرد هالیدی، نکون دومین جنگ سرد، ترجمه هرمز همان پور، تهران، انتشارات آگه، ۱۳۶۶، ص ۱۳۹ - ۱۳۸
- ۲۴- منبع پیشین، ص ۱۰ - ۴
- 25 - David Menashri, The Iranian revolution and The muslim world, Published by 1990 in the U.S.A by westview special studies on the Middle East, 1990, Telaviv univercity, P: 1
- 26 - Ibid, P: 7 - 8
- ۲۷- برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به: کدیور، جمیله، رویارویی انقلاب اسلامی ایران و آمریکا، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۳، ص ۲۰۷ - ۲۰۶
- 28 - Shaul, Bakhash, The Reign of Ayatollahs; Iran and The Islamic Revolution, (NewYork:Basic books, 1984). Introduction
- ۲۹- ریمون آرون، "سالهای پایانی قرن" ترجمه اسدا... میشری، تهران، نشر سفیر، ۱۳۶۹، ص ۱۵۵
- ۳۰- جمیله کدیور، رویارویی انقلاب اسلامی ایران و آمریکا، تهران، انتشارات اطلاعات، ص ۹۱
- ۳۱- مارک. جی. گازیوروسکی، سیاست خارجی آمریکا و شاه، ترجمه فریدون فاطمی، تهران، نشر مرکز، چاپ اول، ۱۳۷۱، ص ۳۷۳
- ۳۲- انقلاب کبیر فرانسه یکی از مهمترین تحولات سیاسی - اجتماعی در غرب و یکی از نقاط عطف تاریخی است که آثار و پیامدهای مختلفی در سطح اروپا و جهان داشته است، پیدایش پدیده دولت ملی Nation - state، ناسیونالیسم، شکل‌گیری ارتش جدید، شکسته شدن تمرکز قدرت سیاسی و پدیده دموکراسی و... را منتسب به این انقلاب می‌دانند. شعار اصلی این انقلاب «آزادی، برادری، برابری بود». انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ شوروی نیز از انقلابات اصلی و مهم دنیاست که بر ایدئولوژی مارکسیسم مبتنی بوده و داعیه جهان‌شمولی داشت. این انقلاب بنای نظام سوسیالیستی را در جهان قرن بیستم بنیان نهاد و به عنوان یکی از قطبهای قدرتها در جهان دو قطبی حمایتگر حرکتهای سوسیالیستی و کمونیستی گردید.
- ۳۳- برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به: هانتینگتون و منتقدانش، نظریه برخورد تمدنها، ترجمه مجتبی امیری، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۷۴
- ۳۴- به نقل از اطلاعات سیاسی - اقتصادی شماره ۷۴ - ۷۳، ص ۸۲



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی